

عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

اشاره

تزلزل بنیان نظام خانواده، از عوامل بسیار خطرناکی است که به طور معمول، از عدم هماهنگی زن و شوهر نشئت می‌گیرد و آسیب‌های آن، نه تنها زن و شوهر و فرزندان، بلکه جامعه و نسل‌های بعدی را نیز تهدید می‌کند. از این رو، اسلام برای استحکام نظام خانواده، راهکارهای مناسبی را پیش‌بینی کرده که شناخت زمینه‌ها و عوامل فروپاشی آن، بخشی از این راهکارهاست. به همین جهت، خداوند دو رکن اساسی خانواده، یعنی زن و شوهر را به منزله لباسی قلمداد می‌کند که باید در تمام ابعاد زندگی هماهنگی داشته باشند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»^۱ زنانان، لباس شما و شما هم لباس آنها هستید.

در این نوشتار، به بیان برخی عوامل و زمینه‌های تزلزل و فروپاشی نظام خانواده از نگاه آیات می‌پردازیم.

* پژوهشگر و استاد سطح عالی حوزه علمیه.

۱. عدم همفکری زن و شوهر

از منظر اسلام، تناسب و همتایی همسران، امری انکارناپذیر است؛ به طوری که همتا نبودن همسران، زندگی مشترک را به جهنمی سوزان تبدیل می‌کند و همواره طرفین چنین آرزو می‌کنند که: «يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بَعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبَسَّ الْقَرِينِ»^۱ ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود. چه همنشین بدی هستی!

- خاطره‌ای از امام خمینی علیه السلام

در خاطرات ایشان آمده است:

«۲۸ سالم بود و هنوز زن نگرفته بودم. وقتی آقای لواسانی گفت: آقای تقفی، دختر دارد و از آنها تعریف کرد، قلب من کوبیده شد. قبل از این، سرم به درس و کلاس گرم بود و فکر ازدواج را نکرده بودم. تا آن موقع، به کسی و خانواده‌ای فکر نکرده بودم. به اطرافیان که خیلی اصرار می‌کردند زودتر سروسامان بگیر، گفته بودم: نمی‌خواهم از خمین زن بگیرم. باید کسی را پیدا کنم که کفو هم باشیم. اگر قرار باشد درس بخوانم و ملاً شوم، زخم باید همفکر من باشد. باید از قم زن بگیرم؛ از یک خانواده روحانی و هم‌شان خودم...»^۲

همسر امام علیه السلام نیز در این باره می‌گوید: «آقا جانم می‌گفت: «از طرف من ایرادی نیست و قبول دارم. اگر تو را به غربت می‌برد، آدمی است که نمی‌گذارد به قدسی جان بد بگذرد.» روی رفاقت چند ساله‌اش، روی آقا شناخت داشت.»^۲

قرآن کریم بر هم‌کفوبودن زن و شوهر تأکید نموده و می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»^۳ زنان پلید، سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید، سزاوار زنان پلید. زنان پاک، شایسته مردان پاک‌اند و مردان پاک، شایسته زنان پاک.» مولوی در توضیح این آیه می‌سراید:

خوب خوبی را کند جذب این بدان طیبات و طیبین بر وی بخوان

۱. زخرف، آیه ۳۸.

۲. روزنامه خراسان، پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۲، ش ۱۸۴۲۱، ص ۹.

۳. نور، آیه ۲۶.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۱

در جهان هر چیز چیزی جذب کرد گرم گرمی را کشید و سرد سرد
ناریان مر ناریان را جاذب‌اند نوریان مر نوریان را طالب‌اند^۱

۲. افشای اسرار خانواده

حفظ اسرار و رازهای پنهان خانواده، وظیفه هر زن و شوهری است. این امر، عامل مهم استحکام خانواده محسوب شده و افشای آن، عامل تزلزل بنیان خانواده می‌باشد. مولوی می‌گوید:

گفت پیغمبر که هر که سرّ نهفت زود گردد با مراد خویش جفت
دانه‌ها، چون در زمین پنهان شود سرّ آن، سرسبزی بستان شود^۲
اگر زن یا مردی نتواند این وظیفه مهم خانوادگی را رعایت کند، باید منتظر عواقب دردناک آن باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ ضَعَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ»^۳ کسی که نتواند رازدار اسرار خود باشد، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند.»

- افشای راز پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن در سوره تحریم^۴ این امر مهم را یادآور شده که ممکن است فاش کردن اسرار، به فروپاشی خانواده بینجامد. در برخی تفاسیر ذیل این آیات آمده است: «هنگامی که پیامبر اکرم رازی را با یکی از همسرانش در میان نهاد، او آن را فاش نمود. هنگامی که پیامبر به همسرش خطای او را گوشزد کرد، پرسید: چه کسی تو را از این راز نهانی آگاه ساخت؟ فرمود: خداوند دانا و آگاه، آن را به من اطلاع داد.»^۵

در این سوره، همچنین خداوند متعال آن همسر خطاکار را توبیخ کرده و یادآور می‌شود که این عمل ناپسند، ممکن است موجب جدایی او از همسرش گردد. پس، باید توبه کند: «اگر

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۸۰ - ۸۳.

۲. همان، دفتر اول، بیت ۱۷۶ - ۱۷۷.

۳. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۱.

۴. تحریم، آیه ۳ - ۵.

۵. ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۴.

توبه کنید، به نفع شماست؛ زیرا دل‌هایتان از حق منحرف گشته. اگر همین طور با افشای اسرار خانوادگی بر ضد همسر بزرگوارتان اقدام کنید، کاری از پیش نخواهید برد؛ زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح و فرشتگان، پشتیبان اویند. امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد؛ همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عبادت‌کننده، مهاجر، غیرباکره و باکره.^۱

- رازداری یک قهوه‌چی

در زمان علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، از علمای بزرگ نجف اشرف، قحطی عجیبی آمد و مردم محتاج باران شدند؛ اما هرچه دعا کردند، اثری نداشت. تا اینکه به حضور شیخ آمده و از او خواستند دعا کند. شیخ جعفر در حرم امیر مؤمنان علیه السلام دست به دعا برداشت و عرض نمود: ای مولای من! مردم محتاج باران می‌باشند؛ با این همه نماز و دعا، مردم اثری ندیده‌اند. از خداوند بخواهید عنایتی بفرماید.

در عالم رؤیا، شیخ به محضر حضرت مشرف شد و امام علیه السلام فرمود: شیخ جعفر! مردی قهوه‌چی در بین راه کوفه و نجف است. بگو او در مراسم دعا شرکت کند. شیخ بیدار شد و از اینکه از بین این همه عالم و عارف در حوزه علمیه نجف، امام علیه السلام یک قهوه‌چی را انتخاب کرد، شگفت‌زده شد.

طبق فرمایش امیر مؤمنان علیه السلام در بین راه کوفه و نجف، مرد قهوه‌چی را پیدا نمود. شب را در قهوه‌خانه گذراند. شیخ دید این مرد، فردی عادی است و نماز معمولی می‌خواند؛ نه دائم‌الذکر است و نه اعمال ویژه‌ای انجام می‌دهد. مثل مردم عادی هم دعا می‌کند. به همین جهت، از مقام معنوی او با آن زندگی معمولی متحیر شد. نزد قهوه‌چی آمد و گفت: ای مرد! تو چه ارزشی پیش خداوند داری که مولایمان امیر مؤمنان تو را وسیله استجاب دعا قرار داده است؟ علت جایگاه بلندت را بگو. چگونه به چنین مقامی دست یافته‌ای؟

قهوه‌چی گفت: در دوران جوانی شاگرد قهوه‌خانه بودم. مادرم گفت: آرزو دارم تو را داماد کنم. پولی جمع کردم و به مادرم دادم. او دختری برایم خواستگاری کرد. مقدمات عروسی

۱. این آیات، در مورد فاش‌نمودن یک راز خانوادگی، از سوی یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۳

من مهیا شد؛ اما شب زفاف، عروس را خیلی مضطرب و متوحش یافتم. گفتم: چرا ناراحت و مضطرب هستی؟ گفت: واقعیت این است که سرمایه عفت را از دست داده‌ام و این راز را هیچ کس جز خدا نمی‌داند. حال خود دانی!

از این آزمون به خداوند عالم پناه برده و استمداد طلبیدم و گفتم: خداوندا! الآن بهترین وقت است که برای رضای تو رازداری کرده و از افشای این موضوع صرف نظر کنم و آبروی این زن مسلمان را حفظ کنم. هیچ نگفتم و به همسر قول دادم که چنانکه تا به حال کسی ندانسته، از حالا به بعد هم کسی نخواهد دانست.

سال‌ها از آن آزمون سخت می‌گذرد و تا به حال با آن زن زندگی می‌کنم. احدی جز خدا ماجرا را نمی‌داند تا اینکه الآن شما اصرار کردید و من امر شما را اطاعت کردم.

علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با تحسین رازداری وی، گفت: ای مرد! به خدا در آزمون مهمی برنده شده و عمل بزرگی را تسلیم خدا کرده‌ای! حالا بیا دعا کن! قهوه‌چی به میان جمعیت آمد و دست به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! مردم محتاج رحمت تو هستند. علی علیه السلام پیغام داده که من دعا کنم. از پیشگاه تو برای خود و مردم طلب عفو می‌کنم. باران رحمت خویش را نازل فرما! دست‌های مردم بلند بود که ابرها در آسمان ظاهر گردید و باران رحمت الهی آغاز شد.^۱

۳. نادیده گرفتن حقوق یکدیگر

نظام خانواده، همانند سایر نظام‌ها، دارای قوانین ویژه و حقوق دوسویه اعضای آن است. اگر اسلام برای مرد حقوقی را در نظر گرفته، برای زن نیز امتیازهایی قابل می‌باشد. خداوند می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۲ برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای نیز قرار داده شده است.»

رعایت متقابل حقوق زن و شوهر، برای هر خانواده‌ای ضرورت دارد. اگر یکی از طرفین از انجام وظایف خود کوتاهی کند و یا بیش از محدوده اختیارات خود قدم بردارد، کشتی

۱. قاسم میرخلف‌زاده، *قصص الدعاء*، ص ۱۳۷. (با اندکی ویرایش عبارت)

۲. بقره، آیه ۲۲۸.

خانواده در گرداب اختلاف گرفتار خواهد شد. چنانچه از همان روز نخست دختر و پسر که با همدیگر پیمان وصلت می‌بندند، حقوق و وظایف همدیگر را بشناسند و در رعایت آن تلاش نمایند، مشکلات زندگی کاهش خواهد یافت و دنیایی آرام و توأم با سعادت و خوشبختی را در پیش رو خواهند داشت. درحقیقت، پیمان زناشویی به معنای پذیرش پابندی به حقوق است و مؤمن، هرگز عهد و وفای خود را فراموش نمی‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»^۱ [اهل ایمان] کسانی هستند که همواره مراعات‌کننده امانت‌ها و پیمان‌های خویش هستند.

در اینجا به دو نمونه از عواملی که در اثر کوتاهی زوجین، به تیرگی روابط آنان منجر می‌گردد، اشاره می‌کنیم:

- نافرمانی از شوهر

خداوند بانوان شایسته را متواضع و مطیع معرفی می‌کند: «فَالصَّالِحَاتُ قَاتِتَاتٌ»^۲ زنان صالح، مطیع و فرمان‌بر هستند. حضرت فاطمه^۳ به همسرش عرض کرد: «از روزی که با تو زندگی مشترکم را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام»^۴ از آنجایی که خداوند متعال طبق فطرت، مدیریت خانه را به مرد سپرده و بانوان مسلمان را نیز موظف به اطاعت از همسرانشان نموده^۵، سهل‌انگاری و عدم توجه به این امر، سرانجام ناخوشایندی را در خانواده به وجود خواهد آورد.

ستیزه به جایی رساند سخن که ویران کند کاخ‌های کهن^۶ ناگفته نماند که برخی مردها با بهانه قراردادن این آیه، مسئولیت خود را در قبال همسرشان نادیده می‌گیرند و فقط بر اطاعت یک‌طرفه اصرار می‌ورزند؛ بدون اینکه حقوق زن را مد

۱. مؤمنون، آیه ۸.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۴. نساء، آیه ۳۴: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنان هستند.»

۵. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۵

نظر داشته باشند؛ درحالی که وجوب اطاعت زن از شوهر، محدودیت دارد و موارد آن مشخص است؛ برای مثال، خروج زن از منزل در غیرموارد وجوب، به اذن شوهر وابسته است و در غیر استمتاع و امور مربوط به آن، واجب نیست دستورهای شوهر را اطاعت کند. اگر در این زمینه، شوهر مرتکب خلافی شود، زن علاوه بر مخالفت، وظیفه دارد وی را امر به معروف و نهی از منکر بنماید.^۱

- عدم توجه به آراستگی ظاهری

خداوند متعال آیات حجاب را نازل کرده و به زنان مؤمن دستور داده که آن را رعایت کنند؛ یعنی باید در مقابل نامحرم، پوشش خود را حفظ و از عشوهرگری خودداری نمایند: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛^۲ همانند جاهلیت نخستین، زینت‌های خود را آشکار نکنید.» از منظر آیات، عفت و حفظ حجاب برای زنان آن‌چنان اهمیت دارد که حتی به نوع پوشش، آهنگ صدا و آرایش آنان نیز در قرآن اشاره شده؛^۳ چنان‌که قرآن کریم فرموده: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛^۴ پس به ناز سخن مگویید؛ [چون] آن‌که در دلش بیماری است، [به شما] طمع می‌ورزد.»

اما از سوی دیگر، اسلام تأکید می‌نماید که بانوان مسلمان در مقابل همسرانشان معطر و آراسته باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین زنان شما، زنی است که چون با همسرش خلوت کند، زره حیا را از خود دور سازد و چون از خلوت شوهرش بیرون آید، زره حیا را بر تن کند.»^۵

اگر بانویی این دستورهای سازنده را نادیده بگیرد، یعنی آراستگی‌اش را به بیرون منزل ببرد و در منزل نزد همسرش افسرده و پژمرده باشد، به بنیان مستحکم خانواده لطمه خواهد زد.

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، *استفتائات*، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲. احزاب، آیه ۳۳.

۳. احزاب، آیه ۵۹؛ نور، آیه ۲۰.

۴. احزاب، آیه ۳۲.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۳۲۴.

در ضمن، آراستگی ظاهری، تنها به زن اختصاص ندارد؛ بلکه نظم و آراستگی، برای مردان نیز ضرورت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^۱ خداوند متعال، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.»

زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و سؤال کرد: حق مرد بر زن چیست؟ پیامبر فرمود: «بدون اجازه او، روزه مستحبی نگیرد و بدون اجازه وی، از خانه خارج نشود (در غیرموارد وجوب)؛ نیز خود را با بهترین عطرها خوشبو سازد، بهترین لباس هایش را بپوشد، با بهترین زیورها زینت کند و بدین صورت، صبحگاه و شبانگاه خویش را بر شوهر عرضه بدارد و حقوق مرد، بیشتر از اینهاست.»^۲

در مقابل، مرد نیز همین وظیفه را در مورد همسرش دارد؛ باید نظیف و پاکیزه، خوشبو و خوش لباس باشد، به اصلاح سروصورتش برسد و در منزل زیبا زندگی کند. حسن بن جهم، روزی به محضر امام رضا علیه السلام مشرف و متوجه شد که امام ظاهری مرتب و آراسته دارد و خضاب^۳ هم کرده است. با تعجب پرسید: آیا خضاب کرده‌اید؟ امام فرمود: آری، با حنا و برگ نیل خضاب کرده‌ام؛ مگر نمی‌دانی که این کار سود فراوان دارد؛ از جمله آنکه همسرت دوست دارد در تو همان زیبایی و آراستگی را ببیند که دوست داری در او ببینی. زنانی در اقوام گذشته از دایره عفت بیرون شدند و فاسد گشتند و چنین نشدند، مگر به واسطه کم‌توجهی شوهرانشان به آرایش خود.»^۴

۴. سوء ظن

در زندگی مشترک زن و مرد، گاهی آنان به گمانه‌زنی پرداخته، بدون یقین، قضاوت‌ها و برخوردهای شتاب‌زده‌ای از خود نشان می‌دهند و در نتیجه، روابط آنها دچار تیرگی

۱. همان، ج ۶، ص ۴۴۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۵۰۸؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۳. آنچه موی سر و صورت یا پوست بدن را با آن رنگ کنند؛ مثل حنا، وسمه و یا سایر لوازم آرایشی که انسان به وسیله آنها ظاهرش را زیبا و گلگون می‌کند.

۴. حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۸۱.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۷

می‌شود. این مسئله، ممکن است از جزئی‌ترین مسائل گرفته تا زوایای دیگر زندگی را دربرگیرد. بدگمانی زن به مرد و برعکس، معمولاً در عرصه‌هایی چون: رفت‌وآمدها، نوع رفتارها، غذاخوردن‌ها، مهمانی‌ها و سایر ابعاد زندگی مشترک بروز می‌کند.

مسلمان همواره در مقابل حوادث و اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد، با روحیه‌ای خوش‌بینانه با آن برخورد می‌کند و خود را موظف می‌داند که نسبت به پیرامون خویش، نظر مثبت داشته باشد و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده و دلایل روشن به دست نیامده، رفتار خوش‌بینانه‌اش را ادامه دهد. قرآن کریم مؤمنان را از سوء ظن نسبت به افراد برحذر داشته، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانه‌زنی‌ها پرهیز کنید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها، گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید.»

خداوند متعال برای جلوگیری از عواقب ناشایست سوءظن، در همه عرصه‌ها از جمله در خانواده‌ها، دستورهای محکمی صادر کرده و در مورد کسانی که به دلیل سوءظن، به زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، به قاضیان شرع فرمان می‌دهد: «کسانی که به زنان پاکدامن، نسبت‌های ناروا می‌دهند، اگر چهار شاهد نیاورند، بر ایشان هشتاد تازیانه بزنید و دیگر شهادت آنان را نپذیرید که فاسق‌اند.»^۲

- بدبینی شوهران

اگرچه مرد باید از همسرش مراقبت کند، ولی نه به حدی که به وسواسی‌گری متهمی شود. بعضی مردها به بیماری بدگمانی مبتلا بوده، بی دلیل نسبت به همسرانشان بدبین هستند و درباره آنان احتمال خیانت می‌دهند.

هر مردی که بدین بیماری خانمان‌سوز مبتلا شود، زندگی را بر خود و خانواده‌اش تلخ می‌کند. چنین مردی، بهانه‌جویی می‌کند، نسبت به اعمال و حرکات همسرش بدبین است و مانند سایه او را تعقیب می‌نماید و چون سوءظن دارد، از در و دیوار شاهد و نشانه پیدا

۱. حجرات، آیه ۱۲.

۲. نور، آیه ۴.

می‌کند و چیزهایی را که اصلاً دلیل خیانت نیستند، به منزله دلایل قطعی می‌شمارد؛ مثلاً با خود می‌گوید: چون با فلان مرد سلام و تعارف کرد، پس معلوم می‌شود که خیانتکار است. چون جوان همسایه از پشت بام به او نگاه کرد، پس معلوم می‌شود که خواهان یکدیگر هستند.^۱

- بدبینی خانم‌ها

در مقابل، خانم‌ها نیز با سوءظن بیجا خانواده‌شان را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهند. زنی به شورای داورى شکایت کرد و گفت: یکی از دوستانم گفت: شوهرت به خانه زنی رفت و آمد دارد. او را تعقیب کردم و دانستم که حقیقت دارد. بسیار ناراحت شدم و به خانه پدرم رفتم. اکنون از شما می‌خواهم که شوهر خطاکارم را تنبیه کنید. شوهر ضمن تأیید سخنان زن، گفت: برای خرید دارو به داروخانه رفتم. ضمن خرید متوجه شدم زنی که برای خرید شیرخشک به داروخانه آمده، پولش کم است. به او کمک کردم و بعداً که فهمیدم زن بیوه و بیچاره‌ای است، به کمک‌هایم ادامه دادم. داوران پس از تحقیق متوجه حُسن نیت شوهر شدند و آنان را آشتی دادند.^۲

۵. دروغ‌گویی

دروغ، از ویژگی‌های افراد پست است. در مقابل، راست‌گویی از واژه‌های مقدس کلام وحی است که بیش از ۱۵۵ مورد با مشتقاتش در قرآن آمده است؛ مثلاً خداوند مردان و زنان با ایمان را با صداقت توصیف کرده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»^۳ مؤمنان حقیقی، اهل راستی و راست‌گویی‌اند.» صفا و صمیمیت، در پرتو صداقت و راست‌گویی است؛ همچنان‌که کدورت و کینه و بی‌اعتمادی، در اثر خدعه و فریب‌کاری و دروغ‌گویی است. زن و مردی که با همسرش

۱. ابراهیم امینی، همسر‌داری، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۶۸.

۳. حجرات، آیه ۱۵.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۹۹

صادقانه برخورد نکند و با دروغ و فریب با خانواده‌اش رفتار نماید، جایگاه او نزد اهل خانه متزلزل می‌شود و به مرور زمان، سبب انتقام‌جویی، توسط همسر و فرزندان می‌گردد. زندگی مشترک فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام بهترین الگو برای خانواده‌های مسلمان است. آنان با عشق و صفا و محبت و صداقت با همدیگر زندگی می‌کردند؛ چنان‌که این سخن عاطفی در آخرین قسمت‌های گفتار حضرت فاطمه نسبت به همسر خویش، گواه این حقیقت است. فاطمه علیها السلام فرمود: «پسرعموی بزرگوارم! هیچ‌گاه در طول زندگی مرا دروغ‌گو و خیانتکار ندیدی و از روزی که با تو زندگی مشترک را آغاز کرده‌ام، هرگز با تو مخالفت ننموده‌ام.»^۱ امام علی علیه السلام صادقانه پاسخ داد: «پناه بر خدا، ای دختر پیامبر! تو نسبت به خدا داناتر و نیکوتر و پرهیزکارتر و بزرگوارتر از آنی که بخوایم در مورد مخالفت با خود، تو را سرزنش نمایم.»^۲

۶. خیانت

زن و شوهر مسلمان در یک خانواده، هم‌رنگ و همدل و هم‌مرام‌اند. پنهان‌کاری و خیانت، در روابط آنان راه ندارد و کاملاً به یکدیگر اعتماد دارند و این رفتار آنان، درس زندگی برای فرزندان‌شان می‌باشد.

اگر خدای ناکرده زن یا شوهر بخواهد از اعتماد همسر خویش سوء استفاده کرده و خیانت نماید، قطعاً زندگی خود و همسر و فرزندان‌ش را در معرض نابودی قرار خواهد داد و از خیانت خود بهره‌ای نخواهد برد؛ چراکه عاقبت خیانت، بیچارگی فرد خیانتکار است. قرآن می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ»^۳ همانا خداوند نیرنگ خیانت‌پیشگان را به جایی نمی‌رساند.»

خیانت مرد به زن، انواعی دارد که از جمله آنها می‌توان به: آزار همسر، چشم‌چرانی، روابط نامشروع با دیگری، خودداری از پرداخت حقوق زن و یا نسبت‌دادن‌های ناروا به او، اشاره کرد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

۲. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱.

۳. یوسف، آیه ۵۲.

خیانت زن به مرد هم صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ مانند:

- خیانت مالی: یعنی زن در غیاب مرد، بی‌اذن او در اموال شوهر تصرف کند.
- خیانت آبرویی: یعنی زن اسرار شوهر را افشا نماید و او را نزد دیگران بی‌آبرو کند و یا اینکه با مرد اجنبی رابطه نامشروع داشته باشد.

خیانت، از منظر قرآن در شمار صفات کفار و منافقان است.^۱ فرد خیانت‌کننده به خانواده، در ردیف آنان قرار می‌گیرد و خداوند بارها نفرت خود را از خائنان بیان فرموده است؛ از جمله: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا»^۲ همانا خداوند خیانت‌پیشگان گنهکار را دوست ندارد.»

۷. توقعات بیجا

از عوامل مهم فروپاشی خانواده‌ها، توقعات بیجاست که بیشتر مواقع به طلاق منجر می‌گردد. زن یا مردی که همواره همسر خود را با دیگران مقایسه می‌کند و سطح زندگی‌اش را بدون توجه به قدرت مادی و توانایی‌های ذاتی خانواده‌اش می‌سنجد، نمی‌تواند زندگی آرامی داشته باشد؛ چراکه دست‌بالای دست همواره وجود دارد و انسان در مسابقات مادی نمی‌تواند به آنهایی که از او جلوترند، برسد. به همین جهت، قرآن کریم از چشم‌وهم‌چشمی نهی کرده: «و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن. اینها شکوفه‌ها و مظاهر زندگی دنیاست تا آنان را بیازماییم و روزی پروردگارت، بهتر و پایدارتر است.»^۳

آموزه‌های اسلامی به ما مسلمانان می‌آموزد که همواره در مقابل نعمت‌هایی که داریم، شکر نموده و در مسائل مادی، به طبقات پایین‌تر از خود نگاه کنیم و هرگز افکار خویش را با تقلید از دیگران، توقعات بیجا و چشم‌وهم‌چشمی‌ها مشوش نسازیم؛ وگرنه با بهانه‌ها و انتظارات بی‌مورد، زندگی مان آرامش خود را از دست خواهد داد.

۱. مائده، آیه ۱۳؛ انفال، آیه ۵۸.

۲. نساء، آیه ۱۰۷.

۳. طه، آیه ۱۳۱.

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۱۰۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در زندگی دنیوی، همواره به کسانی نگاه کن که رتبه پایین‌تری از تو دارند؛ تا در مقابل نعمت‌ها و الطاف بی‌پایان خداوند، شاکر و سپاسگزار باشی و خود را شایسته افزایش نعمت‌های الهی قرار داده، جود و بخشش الهی را به سوی خود جذب کنی.»^۱

۸. طرح اختلاف، نزد دیگران

اگر میان زن و مرد اختلافی پیش آید، چه زیباست که اوّل خود به حل آن اقدام نمایند و بدانند که کسی از خودشان برای رفع کدورت و حل اختلافات، شایسته‌تر نیست. عذرخواهی ساده طرفین، به حل مشکل کمک می‌نماید و از شکل‌گیری خطاهای آینده جلوگیری می‌کند.

اگر اختلاف به بیرون از منزل انتقال یابد، اسرار خانواده فاش می‌گردد و از استحکام بنیان خانواده کاسته خواهد شد. قرآن در توصیف همسران شایسته می‌فرماید: «فَالصّٰلِحٰتُ قٰتِنٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ»^۲ همسران صالح، آنهایی هستند که متواضع‌اند و در غیاب همسر خود، اسرار خانواده را حفظ می‌کنند.»

- داوران محرم

در صورت حل‌نشدن اختلافات خانوادگی در داخل منزل، در مرحله دوم، قرآن راهکار شایسته‌ای را به زوجین پیشنهاد می‌کند: «اگر در زندگی مشترک، از ایجاد شکاف و اختلاف در روابط خود بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید. چنانچه این داور صلاحیت و تصمیم به اصلاح داشته باشد، خداوند او را به این کار موفق می‌گرداند و همانا خداوند، دانا و آگاه است.»^۳

بنابراین، نباید اختلاف‌های خانوادگی را به بیرون از خانواده منتقل کرد. افراد نادان، سودجو و غیرصادق، با دخالت‌های بیجا اختلاف‌ها را تشدید کرده، سبب فاش شدن اسرار و نابودی نظام خانواده خواهند شد.

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۷.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. نساء، آیه ۳۵.

۹. عدم توجه به زمینه‌های اختلاف

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی، آرامش است. اگر مردی در منزل، آرامش لازم را برای زندگی نداشته باشد، روحی افسرده و اعصابی ناراحت خواهد داشت. همچنان‌که زن اگر امنیت، آسایش و رفاه را که برای یک بانوی مسلمان لازم است، نداشته باشد، وظایف خود را به خوبی نمی‌تواند ایفا کند. از این رو، قرآن کریم در مورد حالات و ویژگی‌های زنان، به مردان سفارش کرده است.^۱

اگر زن و مرد، زمینه‌های لازم در عرصه جسم و روان را رعایت کنند، بی‌تردید، بسیاری از کشمکش‌ها و اختلاف‌های ناشی از خستگی و افسردگی روحی حل خواهد شد. مرد عاقل، هرگز ناراحتی‌های بیرون از منزل را به داخل خانه نمی‌برد و کدبانوی فهمیده خستگی‌ها و مشکلات داخل منزل را زمینه پرخاش و قهر و اخم قرار نمی‌دهد.

شوهری می‌گوید: «روزی به خانه رفتم و دیدم همسرم عصبانی است و بدون جهت، به من تندی می‌کند. تعجب کردم. بعد از مدتی، چهره‌اش باز شد و با ملایمت گفت: فلانی! می‌دانی که من تو را دوست دارم و به زندگی‌ام علاقه‌مندم. امروز در هوای سرد، لباس شسته بودم و لباس‌ها چند بار روی زمین افتاده بود و بچه‌ها هم مرا اذیت کرده بودند، ناخواسته عصبانی بودم و به تو تندی کردم. بعد از این، بدان که عصبانیت و تندی من همیشه همین طور است و جدی نیست. ازت ناراحت نیستم و هرگز خیال نکنی تو را دوست ندارم.

به او گفتم: پس بدان من هم که گاهی اوقاتم تلخ می‌شود و تندی می‌کنم، از روی عدم علاقه به تو، فرزندان و خانواده نیست؛ بلکه مشکلات بیرون مرا ناراحت می‌کند و با حالت عصبانیت و اوقات تلخی وارد خانه می‌شوم. ممکن است، تندی و ترش‌رویی کنم؛ اما بدان که عصبانیت من ناخواسته بوده و جدی نیست. او می‌گوید: از آن زمان، بیش از ۱۵ سال می‌گذرد و دیگر میان ما نزاع و بگومگویی پیش نیامده است.»^۲

۱. بقره، آیه ۲۲۲.

۲. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ص ۲۰۰ (با اندکی ویرایش).

مجلس هفتم: عوامل فروپاشی خانواده از دیدگاه قرآن ■ ۱۰۳

سزاوار است که زن و شوهر مسلمان، زمینه‌های اختلاف را از بین ببرند و ناراحتی‌ها را وسیله بدخلقی و عصبانیت قرار ندهند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «يَسُدُّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يُبَيِّحُ لَهَا وَجْهَهَا»^۱ حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد و بدنش را بپوشاند و هیچ‌گاه با چهره‌ای درهم‌کشیده و اخم‌کرده با او برخورد نکند.^۲

علی عَلِيٌّ نیز فرمود: «مؤمن، در برخورد با اعضای خانواده و سایر مؤمنان، خوش‌رو است و اندوه و غصه‌اش را در دل دارد.»^۳

۱۰. تنگ‌نظری در رفاه خانواده

از جمله عواملی که خانواده را نابود می‌کند، عدم توجه به مسائل رفاهی است. سخت‌گیری‌های بی‌مورد مرد، در روح و روان همسر و فرزندانش، آثار بدی بر جای می‌گذارد. اگر مردی خسیس و تنگ‌نظر باشد و زندگی را نسبت به زن و فرزندانش سخت بگیرد و با وجود مکت و برخورداری از مال، دست‌گشاده و چهره‌ای باز نداشته باشد، زندگی او به جهنم تبدیل خواهد شد. درگیری‌های لفظی و بدبینی و نفرت، در چنین خانواده‌ای حاکم شده و آرامش و آسایش از فضای خانه رخت خواهد بست. خداوند در وصف حال چنین افرادی می‌فرماید: «لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا»^۴ اگر شما خزانه‌دار رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از ترس انفاق [و تهیدستی]، چیزی به کسی نمی‌دادید. و انسان، تنگ‌نظر و بخیل است.»

از منظر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام کسی که زندگی را بر زن و اهل خانه تنگ می‌گیرد و آنان را وامی‌دارد حسرت لقمه‌ای را بخورند، از رحمت خدا دور است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلِمَةً عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْوَلُ»^۵ لعنت‌شده،

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۱.

۲. ابن‌فهد حلی، عدة الداعی، ص ۹۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۶۵.

۴. اسراء، آیه ۱۰۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۲.

لعنت شده کسی که سنگینی خود را بار دیگران کند. لعنت شده، لعنت شده است کسی که بر خانواده اش سخت گیرد و [حق] آنان را ضایع گرداند.» امام رضا علیه السلام فرمود: «يُنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ؛^۱ شایسته است که انسان بر اهل و عیال خود وسعت و گشایش دهد تا مرگ او را آرزو نکنند.»